

## Effectiveness of Parents' Psychological Empowerment Package on the Positive and Negative Emotions of the Adolescents with Inefficient Parent-Child Interaction

**Behroz Mehrabian** 

PhD Student in Counseling, Islamic Azad University, Roudhan Branch, Tehran, Iran.

**Farideh Dokanei Fard** \* 

Associate Professor, Department of Counseling, Islamic Azad University, Roudhan Branch, Tehran, Iran.

**Azam Fattahi Andabil** 

Assistant Professor, Department of Counseling, Islamic Azad University, Roudhan Branch, Tehran, Iran.

### Abstract

The present study was conducted to codify parents' psychological empowerment package and evaluate its effectiveness on the positive and negative emotions of adolescents with inefficient parent-child interaction. The research method of the present study was thematic analysis through a comparative method in the qualitative part and quasi-experimental with a pre-test, post-test, control group design, and two-month follow-up period in the quantitative part. The statistical population included adolescents with inefficient parent-child interaction in the city of Tehran who were selected through the purposive sampling method and randomly accommodated into experimental and control groups (each group of ۲۰ people). The adolescents' parents in the experimental group received ten sessions of psychological empowerment package during two-and-a-half months. ۴ people in the experimental group and ۳ in the control group quit participating in the study. The applied questionnaires in this study included the parent-child

\* Corresponding Author: Farideh Dokanei Fard


**How to Cite:** Mehrabia, B., Dokanei Fard, F., Fattahi Andabil, A. (۲۰۲۲). Effectiveness of Parents' Psychological Empowerment Package on the Positive and Negative Emotions of the Adolescents with Inefficient Parent-Child Interaction, *Journal of Psychology of Exceptional Individuals*, ۱۲(۴۷), ۱۹۵-۲۲۴.

relationship questionnaire (Fine, Moreland, Schwebel, ۱۹۸۳) and the positive and negative emotions questionnaire (Watson, Clark, Tellegen, ۱۹۸۸). The data from the study were analyzed through the mixed ANOVA method via SPSS۲۳ statistical software. The results showed that the psychological empowerment package enjoys suitable content validity from the experts' viewpoint. Moreover, this package has had an effect on the positive ( $F=۶۷,۵۶$ ;  $Eta=۰,۶۴$ ;  $P<۰,۰۰۱$ ) and negative emotions ( $F=۵۱,۳۷$ ;  $Eta=۰,۶۱$ ;  $P<۰,۰۰۱$ ) of adolescents with inefficient parent-child interaction. According to the findings of the present study, the psychological empowerment package can be used as an efficient method to increase positive emotions and decrease negative emotions in adolescents with inefficient parent-child interaction through employing mental flexibility, training normal parenting style, and emotional participation with the child.


**Keywords:** psychological empowerment, positive and negative emotions, inefficient parent-child interaction.

## اثربخشی بسته توانمندسازی روان‌شناختی والدین بر عواطف مثبت و منفی نوجوانان با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد


دانشجوی دکتری مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

بهروز محرابیان 

دانشیار گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

فریده دوکانه ای فرد \* 

استادیار گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

اعظم فتاحی اندبیل 

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف تدوین بسته توانمندسازی روان‌شناختی والدین و ارزیابی اثربخشی آن بر عواطف مثبت و منفی نوجوانان با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد انجام گرفت. روش پژوهش حاضر در بخش کیفی، تحلیل مضمون به روش قیاسی و در قسمت کمی نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه و دوره پیگیری دوماهه بود. جامعه آماری را نوجوانان با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد شهر تهران در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ و والدین آنان تشکیل دادند. جهت اجرای پژوهش حاضر تعداد ۴۰ نوجوانان با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و با گمارش تصادفی در گروه‌های آزمایش و گواه قرار گرفتند (هر گروه ۲۰ نفر). والدین نوجوانان حاضر در گروه آزمایش بسته توانمندسازی روان‌شناختی (۱۰ جلسه) را طی دو و نیم ماه دریافت کردند. پس از شروع مداخله ۴ نفر در گروه آزمایش و ۳ نفر در گروه گواه از ادامه حضور در پژوهش انصراف دادند. پرسشنامه‌های مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه رابطه والد-فرزندی (فاین، مورلند و شویل، ۱۹۸۳) و پرسشنامه عواطف مثبت و منفی (واتسون، کلارک و تلگن، ۱۹۸۸) بود. داده‌های حاصل از پژوهش به شیوه تحلیل واریانس آمیخته توسط نرم‌افزار آماری SPSS۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بسته توانمندسازی روان‌شناختی از نظر متخصصان دارای روایی محتوایی کافی است. همچنین این بسته بر عواطف مثبت ( $F=۶۷/۵۶$ ;  $\text{Eta}=۰/۶۵$ ;  $P<۰/۰۰۱$ ) و منفی ( $F=۵۱/۳۷$ ;  $\text{Eta}=۰/۶۱$ ;  $P<۰/۰۰۱$ ) نوجوانان با

تعامل والد- فرزندى ناکارآمد تاثیر داشته است. بر اساس یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر، بسته توانمندسازی روان‌شناختی با بهره‌گیری از انعطاف‌پذیری روانی، آموزش سبک فرزندپروری بهنجار و مشارکت هیجانی با فرزند به عنوان روشی کارآمد در جهت افزایش عواطف مثبت و کاهش عواطف منفی نوجوانان با تعامل والد- فرزندى ناکارآمد مورد استفاده قرار داد.

**کلیدواژه‌ها:** توانمندسازی روان‌شناختی، عواطف مثبت و منفی، تعامل والد- فرزندى ناکارآمد.

## مقدمه

ورود به دوره نوجوانی، دورانی کلیدی برای رشد و تحول اجتماعی است؛ زیرا که فرزندان با ورود به این دوره تحولی از والدین خود استقلال پیدا می‌کنند، زمان بیشتری را با همسالان خود می‌گذرانند و همسالان به منبع مهمی برای اثرپذیری تبدیل می‌شوند (فولکس<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). در این دوره فرد با چالش‌های بسیاری مواجه است، از یک سو می‌بایست با تغییرات درونی خود و از سوی دیگر با خانواده و گروه همسالان سازگار گردد. هرچند اندیشه غالب بر آن است که بیشتر افراد از این طوفان و استرس به سلامت می‌گذرند، اما مطالعاتی که در دهه اخیر انجام شده نشان می‌دهد روز به روز بر تعداد نوجوانانی که نشانه‌های آسیب‌شناسی رفتاری یا هیجانی را از خود نشان می‌دهند، افزوده می‌شود (ترنت<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۹؛ رایس<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). این روند در کنار بروز علائم دوره بلوغ، سبب می‌شود تا تعاملات خانوادگی و اجتماعی نوجوانان دستخوش تغییر شود (میتینگ و هائو<sup>۴</sup>، ۲۰۲۰). یکی از زمینه‌های درگیر در این فرایند، تعامل نوجوانان با والدین است که در این دوره تحولی، ممکن است با آسیب‌هایی مواجه شود. بدین دلیل که خانواده اولین نهادی است که نوجوانان در آن رشد می‌کنند و مورد حمایت مادی و معنوی والدین و سایر اعضا قرار می‌گیرند (زرلیفسکایا<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۶).

تعامل والد-فرزندی<sup>۶</sup> یک رابطه مهم و حیاتی برای ایجاد امنیت و عشق است. وقتی روابط والدین با فرزندان صمیمانه و حمایت‌کننده باشد به فرزندان امکان می‌دهد تا عقاید و نقش‌های مختلف را بررسی کنند. همچنین کیفیت این روابط به خودمختاری فرزندان کمک کرده و اتکا به خود بالا، شایستگی تحصیلی<sup>۷</sup> و عزت‌نفس<sup>۸</sup> مطلوب را در آنها

---

۱. Foulkes

۲. Trent

۳. Rice

۴. Meiting, Hua

۵. Dzherelievskaya

۶. Parent-child interaction

۷. academic competence

۸. Self-esteem

پیش‌بینی می‌کند (ژائو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). کیفیت رابطه والدین و فرزندان ارتباط نزدیکی با رفتارهای نوجوانان و سازگاری روانی آن‌ها دارد (سان<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). تعامل بین والدین و فرزندان نخستین معرف دنیای ارتباطات برای فرزندان می‌باشد. احساس عشق، صمیمیت و امنیت به‌طور مستقیم ریشه در این روابط دارند (دوموف و نایک<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸). به‌طورقطع نمی‌توان مشخص نمود که در ایجاد تعارض بین والدین و فرزندان چه کسی بیشترین تأثیر را دارد (شان<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۹)، اما می‌توان گفت که عدم آگاهی کافی والدین و فرزندان از مهارت‌های ارتباطی و نداشتن مهارت در حل مسائل بین‌فردی باعث بروز ناسازگاری‌ها و تعارضات در ارتباط بین آن‌ها می‌شود (لئون<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). بررسی‌های اخیر نشان داده است که کیفیت ارتباط والدین با فرزندان ارتباط نزدیکی با رفتارهای فرزندان و سازگاری روانی آن‌ها دارد. هراندازه میزان تعارض والدین و فرزندان بیشتر باشد، میزان هیجانات منفی و مشکلات رفتاری در فرزندان بیشتر می‌شود (کیلدار و میدلمیس<sup>۶</sup>، ۲۰۱۷).

تعامل والد-فرزند ناسازگارانه و ناکارآمد با ایجاد اختلال در سلامت روان‌شناختی و هیجانی فرزندان (میرزایی کوتنایی و همکاران، ۱۳۹۴)، می‌تواند پردازش‌های شناختی، روان‌شناختی و هیجانی فرزندان را با آسیب مواجه ساخته و باعث شود تا عواطف آن‌ها نیز لطمه ببندد. عواطف یکی از جنبه‌های رفتار انسان است که نقش مهمی در زندگی انسان‌ها ایفا می‌کند. عواطف برای بقا انسان سودمند است، از آن‌جهت که فعالیت‌های او را به‌سوی هدفی متوجه می‌سازد (خانجانی و رضایی، ۱۳۹۵). عواطف به دو دسته عواطف مثبت<sup>۷</sup> و منفی<sup>۸</sup> تقسیم می‌گردد. عاطفه مثبت حالتی از انرژی فعال، تمرکز زیاد و اشتغال به کار

---

۱. Zhao

۲. Sun

۳. Domoff, Niec

۴. Shan

۵. León

۶. Kildare, Middlemiss

۷. Positive affect

۸. Negative affect

لذت‌بخش می‌باشد و کاهش عاطفه مثبت با اندوه و افسردگی همراه است. عاطفه مثبت نمایش‌دهنده یکی از ابعاد اصلی حالات عاطفی می‌باشد؛ اما عاطفه منفی یک بعد منفی ارزیابی درونی و عدم اشتغال به کار لذت‌بخش است که به دنبال آن حالت‌های خلقی از قبیل خشم، حقارت، احساس گناه و ترس و عصبانیت پدید می‌آید و کاهش عاطفه منفی منجر به یک حالت آرامش می‌گردد. عاطفه منفی یکی از ابعاد اصلی حالات عاطفی می‌باشد (پالاس<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۰).

عاطفه مثبت و منفی خصیصه‌ای تقریباً با عامل‌های شخصیتی پایه یعنی برون‌گرایی و روان‌رنجورخویی منطبق است. عاطفه مثبت، تمایل به درگیری و رویارویی با محیط از جمله محیط اجتماعی را شامل می‌شود. افراد دارای عاطفه مثبت بالا، فعالانه، توأم با شور و نشاط و اعتماد به زندگی رو می‌کنند؛ همراهی با دیگران را جستجو می‌کنند و از آن لذت می‌برند و در تعاملات اجتماعی خود از اعتماد و رضایت خاطر برخوردارند. این افراد تجارب هیجان‌انگیز را دوست دارند و از اینکه در کانون توجه واقع شوند، ابایی ندارند (مرادی و همکاران، ۱۳۹۵). از سوی دیگر افراد دارای عاطفه مثبت پایین، فاقد انرژی، اشتیاق و اعتماد هستند. آن‌ها تودار و از نظر اجتماعی گوشه‌گیر هستند، از تجارب پرشور پرهیز می‌کنند و در کل نسبت به درگیر شدن فعالانه با محیط خود تردید دارند؛ اما افراد دارای عاطفه منفی بالا به سمت ناراحتی و ناخرسندی گرایش داشته و دید منفی نسبت به خود دارند (ویس<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۱).

تاکنون روش‌های درمانی مختلفی برای والدین و نوجوانان با تعامل والد فرزند ناکارآمد به کار گرفته شده است. با توجه با نقش والدگری نابهنجار در ایجاد تعامل والد فرزند ناکارآمد، یکی از روش‌های مؤثر می‌تواند بر پایه آموزش والدگری باشد که تأثیر آن در پژوهش‌های مختلف نشان داده شده است (لورن<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۸؛ نازی<sup>۴</sup> و

---

۱. Paulus

۲. Weiss

۳. Lauren

۴. N'zi

همکاران، ۲۰۱۸؛ لادمر<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۷؛ فرشاد و همکاران، ۱۳۹۷؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۶؛ اصلانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ روشن و همکاران، ۱۳۹۵). این در حالی است والدین فرزندان با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد، به مرور توانمندی فردی و خانوادگی خود را از دست می‌دهند که این فرایند تمام ابعاد زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی والدین را متأثر می‌سازد (حسین‌خانزاده و همکاران، ۱۳۹۲). بر این اساس یکی از روش‌های آموزشی که می‌توان با تهیه و تدوین آن این نقیصه را به میزان زیادی جبران نمود، توانمندسازی روان‌شناختی<sup>۲</sup> والدین است.

توانمندسازی به این معناست که به افراد کمک شود تا احساس اعتماد به نفس خود را بهبود بخشند، بر ناتوانی و درماندگی خود چیره شوند و در آن‌ها شور و شوق فعالیت ایجاد کنند و انگیزه‌های درونی برای انجام دادن وظایف بسیج گردد. توانمندسازی مفهومی است که از دیدگاه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است، یکی از مهم‌ترین این دیدگاه‌ها، توانمندسازی روان‌شناختی است که بیانگر فرایند افزایش انگیزش درونی افراد است (رضایی‌جندانی و همکاران، ۱۳۹۴). توانمندسازی روان‌شناختی به معنی آزاد کردن نیروها و قدرت درونی افراد و همچنین فراهم کردن بسترها و به وجود آوردن فرصت‌ها برای شکوفایی استعدادها، توانایی‌ها و شایستگی‌های افراد مختلف است (ژانگ<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). این مفهوم از توانمندسازی به احساسات و حالات افراد نسبت به خود، خانواده و اطرافیان مربوط می‌شود و منعکس‌کننده نقش فعال افراد در خانواده و اجتماع است. توانمندسازی روان‌شناختی افراد را می‌توان در پنج بعد شایستگی<sup>۴</sup>، مؤثر بودن<sup>۵</sup>، خودمختاری<sup>۶</sup>، معنی‌دار بودن<sup>۷</sup> و اعتماد<sup>۸</sup> خلاصه کرد (لی<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). شایستگی

۱. Ludmer

۲. Psychological Empowerment

۳. Zhang

۴. competence

۵. impact

۶. self-determination

۷. meaning

۸. confidence

۹. Lee



به درجه‌ای که یک فرد می‌تواند وظایف خود را با مهارت انجام دهد و به باور فرد نسبت به توانایی‌هایش برای انجام موفقیت‌آمیز وظایف محوله اشاره دارد، اگر فردی قادر به انجام وظایف خود با استفاده از مهارت‌هایش باشد، بر احساس شایستگی و کفایت نفس او اثری مثبت دارد. افراد توانمند با دارا بودن شایستگی احساس می‌کنند که قابلیت و تبحر لازم را برای انجام دادن موفقیت‌آمیز یک کار دارند (اسدی و همکاران، ۱۴۰۰). مؤثر بودن یا پذیرش نتیجه شخصی، درجه‌ای است که فرد می‌تواند بر نتایج و پیامدهای وقایع اثر بگذارد. تأثیر عبارت است از درجه‌ای که به نظر می‌رسد رفتار فرد به‌منظور تحقق اهداف فردی و خانوادگی تفاوت ایجاد می‌کند. معتقدند خودمختاری شامل احساس فرد از خود تعیینی است، چنین فردی خود را در کانون علیت می‌داند و معتقد است رفتارهایی را که انجام می‌دهد از خودش نشأت می‌گیرد نه از دیگران. معنی‌دار بودن فرصتی است که افراد احساس کنند، اهداف مهم و باارزشی را دنبال می‌کنند، بدین معنا که احساس می‌کنند در جاده‌ای حرکت می‌کنند که وقت و نیروی آنان باارزش است (منگ<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۶).

با توجه به پیامدهای نامطلوب تعامل والد فرزند ناکارآمد در دوره نوجوانی و نقش مخرب آن در سلامت روان و پیشرفت تحصیلی نوجوانان و همچنین تأثیرات گسترده آن بر روند زندگی فردی، اجتماعی و شغلی آینده نوجوانان و خانواده آن‌ها و نظر به اینکه این فرایند می‌تواند زندگی شخصی و خانوادگی نوجوانان را با آسیب جدی مواجه سازد، ضروری است اقدامات مقتضی برای بهبود مؤلفه‌های روان‌شناختی، هیجانی و ارتباطی این افراد صورت گیرد. این اساس به کارگیری روش‌های درمانی روان‌شناختی مناسب که منجر به بهبود قدرت روان‌شناختی آن‌ها شود، اجتناب‌ناپذیر است. به همین علت پژوهش حاضر در پی تدوین بسته درمانی توانمندسازی روان‌شناختی برای والدین دارای فرزندان با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد است. حال با توجه به این خلأ پژوهشی (عدم تدوین بسته توانمندسازی روان‌شناختی برای این والدین)، مسئله اصلی پژوهش حاضر تدوین بسته توانمندسازی روان‌شناختی والدین و ارزیابی اثربخشی آن بر عواطف مثبت و منفی

نوجوانان با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد بود.

## روش

روش پژوهش حاضر در بخش کیفی (تدوین بسته توانمندسازی روان‌شناختی والدین)، تحلیل مضمون به شیوه قیاسی (مومنی‌راد، علی‌آبادی، فردانش و مزینی، ۱۳۹۲) و در قسمت کمی نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه و دوره پیگیری دو ماهه بود. جامعه آماری را نوجوانان با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد شهر تهران در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ و والدین آنان تشکیل دادند. در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. بدین‌صورت که از مناطق آموزش و پرورش شهر تهران، منطقه ۲ انتخاب و با مراجعه به ۱۰ آموزشگاه پسرانه دوره دوم متوسطه این منطقه، پرسشنامه تعامل والد-نوجوان در بین دانش‌آموزان این آموزشگاه‌ها اجرا شد. در این مرحله تعداد ۳۰۱۱ پرسشنامه توزیع شد. پس از جمع‌آوری و نمره‌گذاری این پرسشنامه‌ها، دانش‌آموزانی که دارای تعامل والد-فرزند ناکارآمد بودند مورد شناسایی قرار گرفتند (نمره کمتر از ۲۰۰ در پرسشنامه رابطه والد-فرزندی). در این مرحله تعداد ۸۳ دانش‌آموز نمره کمتر از میانگین در پرسشنامه رابطه والد-فرزندی به دست آوردند. سپس این دانش‌آموزان با استفاده از مصاحبه بالینی نیز مورد بررسی مجدد قرار گرفتند تا از وجود تعامل والد-فرزند ناکارآمد در نزد آن‌ها اطمینان حاصل شود که از بین ۸۳ دانش‌آموز تعداد ۶۳ دانش‌آموز تشخیص نهایی تعامل والد-فرزند ناکارآمد را کسب کردند. در مرحله بعد تعداد ۴۰ نفر از این دانش‌آموزان که کمترین نمرات را در پرسشنامه رابطه والد-فرزندی به دست آورده بودند (نمرات کمتر از میانگین و به‌صورت ترتیب‌بندی شده)، انتخاب و به‌صورت تصادفی در گروه‌های آزمایش و گواه جای‌دهی شدند (۲۰ نوجوان در گروه آزمایش و ۲۰ نوجوان در گروه گواه). سپس والدین این نوجوانان جهت دریافت مداخله در پژوهش حاضر شدند. در ابتدای دعوت از والدین تعداد ۴ والد تمایلی به حضور در پژوهش نداشتند که با والدین دیگر جایگزین شدند. پس از شروع فرایند مداخله تعداد ۴ والد در گروه آزمایش و تعداد ۳ والد در گروه گواه از ادامه حضور در پژوهش انصراف دادند. ملاک‌های ورود به

پژوهش شامل کسب نمره کمتر از میانگین (نمره پایین تر از ۲۰۰) در پرسشنامه رابطه والد-فرزندی، اعلام رضایت و آمادگی جهت شرکت در پژوهش، برخورداری از سلامت جسمی با بررسی پرونده تحصیلی، بودن در دوره متوسطه دوم، جنسیت پسر و داشتن سن ۱۵ تا ۱۸ سال بود. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز شامل غیبت بیش از دو جلسه، حضور نامنظم در جلسات درمان، عدم همکاری با پژوهشگر و دریافت مداخله روان‌شناختی هم‌زمان بود. یافته‌های حاصل از داده‌های دموگرافیک نشان داد که میانگین سن نوجوانان در گروه آزمایش ۱۶/۲۵ و در گروه گواه ۱۵/۷۰ سال بود. همچنین میانگین سنی والدین حاضر در گروه آزمایش ۴۷/۲۵ و گروه گواه ۴۵/۵۵ سال بود. همچنین سطح تحصیلات دهم در هر دو گروه آزمایش (۷ نفر معادل ۴۳/۷۵ درصد) و گواه (۶ نفر معادل ۳۵/۲۹ درصد) دارای بیشترین فراوانی بود. جهت رعایت اخلاق پژوهشی رضایت نوجوانان و والدین آنان برای شرکت در برنامه مداخله کسب و از کلیه مراحل مداخله آگاه شدند. همچنین به افراد گروه گواه اطمینان داده شد که آنان نیز پس از اتمام فرایند پژوهشی، در صورت تمایل این مداخلات را دریافت خواهند کرد.

### ابزار سنجش

پرسشنامه رابطه والد- فرزند<sup>۱</sup>: به‌منظور سنجش رابطه والد- فرزندی از پرسشنامه ۲۴ سؤالی رابطه والد- فرزندی (فاین<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۸۳) استفاده شد. این پرسشنامه در دو فرم رابطه با پدر و رابطه با مادر می‌باشد که در پژوهش حاضر هر دو فرم مورد استفاده قرار گرفته و مجموع نمره این دو فرم گزارش شد. نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت از یک تا هفت (هیچ‌گاه تا همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. در هر دو فرم سؤالات ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ به شکل معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. حداقل نمره در هر یک از زیرمقیاس‌های رابطه با پدر و رابطه با مادر ۲۴ و حداکثر نمره ۱۶۸ است؛ بنابراین حداقل نمره کل این پرسشنامه ۴۸ و حداکثر نمره ۳۳۶

۱. Parent-Child Relationship Questionnaire

۲. Fine

است. کسب نمرات کمتر از ۲۰۰ نشان‌دهنده کیفیت پایین تعامل والد با نوجوان است. در پژوهش فاین و همکاران (۱۹۸۳) برای تعیین روایی این پرسشنامه از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی ارتباط بالا و خوبی بین ماده‌ها نشان داد. همچنین میزان پایایی این پرسشنامه در پژوهش براتفورد و باربر<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) برای دو زیرمقیاس تعارض با پدر و تعارض با مادر به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۹۱ به دست آمد. در پژوهش شهنی‌بیلاق و همکاران (۱۳۹۳) که در ایران انجام گرفت، ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس تعارض با پدر، ۰/۸۹ و برای خرده‌مقیاس تعارض با مادر، ۰/۹۲ به دست آمد. همچنین ضرایب استاندارد در تحلیل عاملی تأییدی برای خرده‌مقیاس تعارض با پدر بین ۰/۶۴ تا ۰/۸۴ و برای خرده‌مقیاس تعارض با مادر بین ۰/۶۷ تا ۰/۷۸ متغیر بود. در پژوهش فرازمند (۱۳۹۷) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه خرده‌مقیاس تعارض با مادر ۰/۸۹ و برای خرده‌مقیاس تعارض با پدر ۰/۸۸ محاسبه گردید. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس تعارض با مادر ۰/۸۸ و برای زیرمقیاس تعارض با پدر ۰/۸۵ محاسبه شد.

پرسشنامه عواطف مثبت و منفی<sup>۲</sup>: پرسشنامه عواطف مثبت و منفی پاناس توسط واتسون<sup>۳</sup> و همکاران در سال ۱۹۸۸ به‌منظور ارزیابی عاطفه مثبت و منفی ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۲۰ سؤال و دو خرده‌مقیاس عاطفه مثبت و منفی است که بر اساس طیف ۵ درجه‌ای (۱-۵) به شیوه لیکرتی نمره‌گذاری می‌شود. حداقل و حداکثر نمرات در هر زیرمقیاس بین ۱۰ تا ۵۰ است. استپت<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۸) اعتبار این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ در خرده‌مقیاس‌های عاطفه مثبت بین ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ و عاطفه منفی برابر با ۰/۸۴ تا ۰/۸۷ گزارش کردند. **بشارت و همکاران** (۱۳۹۱) پایایی این پرسشنامه را

۱. Bradford, Barber

۲. Positive and Negative Affect Questionnaire

۳. Watson

۴. Steptoe

بر اساس ضریب آلفای کرونباخ در هر دو خرده مقیاس ۰/۸۸ گزارش کردند و روایی سازه آن را مطلوب و به میزان ۰/۸۶ ارزیابی کردند. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای دو خرده مقیاس عاطفه مثبت و منفی ۰/۸۵ و ۰/۸۲ محاسبه شد.

### روند اجرای پژوهش

پس از اخذ مجوزهای لازم و انجام فرایند نمونه‌گیری (مطابق با آنچه ذکر گردید)، والدین انتخاب‌شده (۴۰ والد) به شیوه تصادفی در گروه‌های آزمایش و گواه جای‌دهی شدند (۲۰ والد در گروه آزمایش و ۲۰ والد در گروه گواه). گروه آزمایش مداخلات مربوط به بسته آموزشی توانمندسازی روان‌شناختی (۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای) را در طی دو و نیم ماه به صورت هفته‌ای یک جلسه دریافت نمودند. این در حالی است که افراد حاضر در گروه گواه هیچ‌گونه مداخله‌ای را در طول پژوهش دریافت نکردند. لازم به ذکر است که یکی از والدین در جلسات مداخله حاضر و محتویات آموزشی جلسه را ضبط و در اختیار دیگر والد قرار می‌داد. پس از شروع فرایند مداخله تعداد ۴ والد در گروه آزمایش و تعداد ۳ والد در گروه گواه از ادامه حضور در پژوهش انصراف دادند. تدوین بسته توانمندسازی روان‌شناختی والدین نیز با استفاده از روش تحلیل مضمون به روش قیاسی به این شرح بود:

در مرحله اول نیازهای روان‌شناختی، هیجانی و عاطفی در نوجوانان دارای تعامل والد-فرزند ناکارآمد، ویژگی‌های والدین دارای تعامل با فرزند کارآمد و همچنین مبانی نظری مؤلفه توانمندسازی مورد مطالعه و جمع‌آوری اختصاصی قرار گرفت. بدین صورت که پژوهشگر در مرحله اول مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های چاپ‌شده مرتبط را مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار داد. در این مرحله مقالات مربوط به شاه‌حیدری‌پور و کمالیان (۱۳۹۱)؛ عباسی و نشاط‌دوست (۱۳۹۲)؛ سالاری‌محمدآباد و مازیاری (۱۳۹۳)؛ حسینی و همکاران (۲۰۱۵)؛ کفاش‌پور و شکوری (۱۳۹۵)؛ اسدیان و همکاران (۱۳۹۵)؛ عسگری و نیکوکار (۱۳۹۵)؛ اسحاقیان و همکاران (۱۳۹۵)؛ جعفری و همکاران (۱۳۹۶)؛ فیروزفر و همکاران (۱۳۹۶)؛ مسکین‌نواز و همکاران (۱۳۹۶)؛ مؤمن‌پور و همکاران

(۱۳۹۷)؛ کریمی و فاطمی عقدا (۱۳۹۷)؛ نیلی احمدآبادی و همکاران (۱۳۹۸)؛ سربلند (۱۳۹۸)؛ علی‌قنواتی و همکاران (۱۳۹۸)؛ خان<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۰)؛ لئو<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۹)؛ جنا<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۹)؛ و آکسل<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۳) مورد مطالعه قرار گرفت. ملاک انتخاب این مقالات، ارتباط محتوایی و نظری آن‌ها به حوزه پژوهش حاضر (نیازهای روان‌شناختی، هیجانی و عاطفی در نوجوانان دارای تعامل والد-فرزند ناکارآمد و همچنین مبانی نظری مؤلفه توانمندسازی) بود. در مرحله دوم مطالب جمع‌آوری شده در مرحله اول، مورد دسته‌بندی (کدبندی) محتوایی قرار گرفته و زیرگروه‌های مفهومی-محتوایی معطوف به نیازها و مسائل تشکیل شد (مومنی‌راد و همکاران، ۱۳۹۲). در مرحله سوم زیرگروه‌های مفهومی-محتوایی تشکیل شده در مرحله دوم به ۱۰ تا ۱۲ حوزه مهارتی معطوف به معطوف به توانمندسازی روان‌شناختی و ایجاد و تقویت تاب‌آوری نوجوانان دارای تعامل والد-فرزند ناکارآمد تبدیل و در نهایت بسته آموزشی توانمندسازی روان‌شناختی برای والدین دارای تعامل والد-فرزند ناکارآمد بر پایه فنون آموزشی استخراج شده از منابع به صورت اولیه تدوین شد. در مرحله چهارم بسته اولیه بسته آموزشی توانمندسازی روان‌شناختی برای والدین دارای تعامل والد-فرزند ناکارآمد به ۱۵ متخصص روان‌شناسی و درمانگران دوره نوجوانی ارائه و از آنان درخواست شد تا با مطالعه و اظهارنظر راجع به ساختار، فرایند و محتوای هر یک از جلسات در قالب پرسشنامه نظرسنجی که همراه بسته آموزشی تدوین شده در اختیار هر یک از متخصصان قرار گرفته بود، به تدوین بسته نهایی یاری رسانند. علاوه بر این در این مرحله لازم بود یک فرم اظهارنظر باز پاسخ به منظور ارائه پیشنهادها و نظرات اصلاحی هر یک از متخصصان در جهت ارتقاء محتوا، ساختار و فرایند بسته آموزشی توانمندسازی روان‌شناختی برای والدین دارای تعامل والد-فرزند ناکارآمد در اختیار آن‌ها قرار گیرد که این فرایند انجام شد. در مرحله پنجم نظرات تخصصی ۱۵ متخصص بررسی و نظرات اصلاحی آن‌ها درباره بسته

۱. Khan

۲. Lyu

۳. Jena

۴. Aksel

آموزشی توانمندسازی روان‌شناختی برای والدین دارای تعامل والد-فرزند ناکارآمد انجام و بسته آموزشی نهایی آماده شد. در مرحله ششم بسته آموزشی توانمندسازی روان‌شناختی همراه با فرم نظرسنجی نهایی و محاسبه ضریب توافق متخصصان درباره فرایند، ساختار و محتوای بسته آموزشی مجدداً به ۱۵ متخصص قبلی ارائه شد. در این مرحله در صورتی که کماکان متخصصان نظرات اصلاحی داشتند، به صورت موردی در بسته آموزشی اعمال شد. در این مرحله جهت سنجش روایی درونی بسته آموزشی تدوین شده (بسته آموزشی توانمندسازی روان‌شناختی)، ضریب توافق ارزیاب‌ها درباره فرایند، ساختار و محتوای بسته آموزشی توانمندسازی روان‌شناختی محاسبه و میزان ۰/۸۸ به دست آمد. علاوه بر این به منظور اعتبار بیرونی نیز بسته بر روی ۴ والد، با طرح مقدماتی با قواعد پیش‌آزمون - پس‌آزمون انجام شد. نتایج حاکی از آن بود که بسته آموزشی توانمندسازی روان‌شناختی توانسته منجر به تغییر معنادار در میانگین نمرات عواطف مثبت و منفی نوجوانان با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد شود. جهت تأثیر نیز به این صورت بود که بسته آموزشی توانمندسازی روان‌شناختی توانسته منجر افزایش میانگین نمرات عواطف مثبت و کاهش میانگین نمرات عواطف منفی نوجوانان با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد شود.

جدول ۱. خلاصه جلسات آموزش توانمندسازی روان‌شناختی

جلسه	موضوع جلسه
اول	آشنایی و معارفه، بیان مقررات و اهداف جلسه، توضیح مختصری در مورد توانمندسازی روان‌شناختی و رابطه والد‌فرزندی، برگزاری پیش‌آزمون.
دوم	توضیح در مورد توانمندی و پیامدهای آن (افزایش انگیزش درونی؛ احساس تسلط بر امور؛ احساس توانمندی و قدرت، انعطاف‌پذیری روانی) در تعاملات والد‌فرزندی، تعیین تکلیف مرتبط.
سوم	بررسی تکلیف جلسه گذشته، توضیح در مورد مؤلفه‌های توانمندسازی روان‌شناختی، تبیین احساس معنی‌دار بودن، توضیح در مورد ارزش‌های خانواده و هدف‌های فرزندپروری، توضیح در مورد سبک فرزندپروری و رابطه‌ی آن با مؤلفه معنی‌دار بودن، تعیین تکلیف مرتبط.
چهارم	بررسی تکلیف جلسه گذشته، توضیح در مورد احساس شایستگی، ویژگی‌های افرادی که احساس شایستگی دارند و ارتباط آن با فرزندپروری مقتدرانه، تبیین فرزندپروری مقتدرانه، تعیین تکلیف مرتبط.
پنجم	بررسی تکلیف جلسه گذشته، توضیح در مورد احساس خودکارآمدی و منابع آن، ارتباط دادن خودکارآمدی به روابط والد‌فرزندی، ادامه فرزندپروری مقتدرانه: روش‌های انضباطی مثبت، تعیین

جلسه	موضوع جلسه
	تکلیف مرتبط.
ششم	بررسی تکلیف جلسه گذشته، توضیح در مورد احساس خودتعیینی و مفاهیم مرتبط با آن، توضیح در مورد خودمختاری و مؤلفه‌های آن و ارتباط دادن آن با روابط والد-فرزندی، تعیین تکلیف مرتبط.
هفتم	بررسی تکلیف جلسه گذشته، توضیح در مورد احساس مؤثر بودن و مفاهیم مرتبط با آن، چگونه والدین مؤثری باشیم: شناخت نیازها و هیجانات فرزندان، مشارکت هیجانی با فرزند شامل ابراز محبت و دلگرمی، داشتن تفریح و سرگرمی با فرزند، تعیین تکلیف مرتبط
هشتم	بررسی تکلیف جلسه گذشته، توضیح در مورد احساس مؤثر بودن، چگونه والدین مؤثری باشیم: ایجاد ارتباط مثبت با فرزند (نحوه گوش کردن به فرزند)، تعیین تکلیف مرتبط.
نهم	بررسی تکلیف جلسه قبل، توضیح در مورد احساس اعتماد و قدردانی، ارتباط آن با تعامل والد-فرزندی، ایجاد احساس ارزشمندی در فرزند.
دهم	جمع‌بندی و خلاصه جلسات، پاسخ‌گویی به مشکلات و پرسش‌ها، برگزاری پرسش‌نامه پس از آزمون.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد و در سطح آمار استنباطی از آزمون شاپیرو-ویلک جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها، آزمون لوین برای بررسی برابری واریانس‌ها، آزمون موجلی جهت بررسی پیش‌فرض کرویت داده‌ها و همچنین از تحلیل واریانس آمیخته برای بررسی فرضیه پژوهش استفاده گردید. نتایج آماری با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS-۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد عواطف مثبت و منفی در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری به تفکیک دو گروه آزمایش و گواه، در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد عواطف مثبت و منفی در دو گروه آزمایش و گواه

مرحله پیش‌آزمون		مرحله پس‌آزمون		مرحله پیگیری		گروه‌ها	
میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
۲۱/۸۷	۴/۵۸	۲۸/۵۰	۶/۳۰	۲۷/۳۱	۵/۹۱	گروه آزمایش	عاطفه مثبت



مرحله پس از آزمون		مرحله پیش از آزمون		گروه‌ها		
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۴/۹۰	۲۳/۰۵	۵/۱۱	۲۲/۷۶	۵/۱۵	۲۳/۳۵	گروه گواه
۴/۳۵	۱۸/۵۰	۴/۵۴	۱۷/۸۱	۳/۵۸	۲۳/۸۱	گروه آزمایش
۴/۶۰	۲۲/۷۰	۵/۰۲	۲۳	۴/۴۴	۲۲/۳۵	گروه گواه

نتایج جدول توصیفی حاکی از آن است که میزان عواطف مثبت نوجوانانی که والدین آنان در گروه آزمایش حضور داشتند، نسبت به گروه گواه افزایش و میزان عواطف منفی آنان کاهش یافته است که در ادامه، معناداری آن با استفاده از آمار استنباطی مورد بررسی قرار می‌گیرد. قبل از ارائه نتایج تحلیل آزمون واریانس آمیخته، پیش‌فرض‌های آزمون‌های پارامتریک موردسنجش قرار گرفت. بر همین اساس نتایج آزمون شاپیرو ویلک بیانگر آن بود که پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمونه‌ای داده‌ها در متغیرهای عواطف مثبت و منفی در گروه‌های آزمایش و گواه در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری برقرار است ( $p > 0/05$ ). همچنین پیش‌فرض همگنی واریانس نیز توسط آزمون لوین موردسنجش قرار گرفت که نتایج آن معنادار نبود که این یافته نشان می‌داد پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها در متغیرهای عواطف مثبت و منفی رعایت شده است ( $p > 0/05$ ). از طرفی نتایج آزمون t نشان داد که تفاوت نمره‌های پیش‌آزمون گروه‌های آزمایش و گروه گواه در متغیرهای وابسته (عواطف مثبت و منفی) معنادار نبوده است ( $p > 0/05$ ). این در حالی بود که نتایج آزمون موچلی نیز بیانگر آن بود که پیش‌فرض کرویت داده‌ها در عواطف مثبت و منفی رعایت شده است ( $p > 0/05$ ).

جدول ۳. تحلیل واریانس آمیخته جهت بررسی تأثیرات درون و بین گروهی برای متغیرهای

#### عواطف مثبت و منفی

متغیر	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	مقدار f	مقدار p	اندازه اثر	توان آزمون
زمان	۱۷۵	۲	۸۷/۵۰	۴۹/۴۲	۰/۰۰۰۱	۰/۶۰	۱
عضویت گروهی	۱۹۹/۰۲	۱	۱۹۹/۰۲	۲۰/۳۵	۰/۰۰۰۱	۰/۵۱	۱

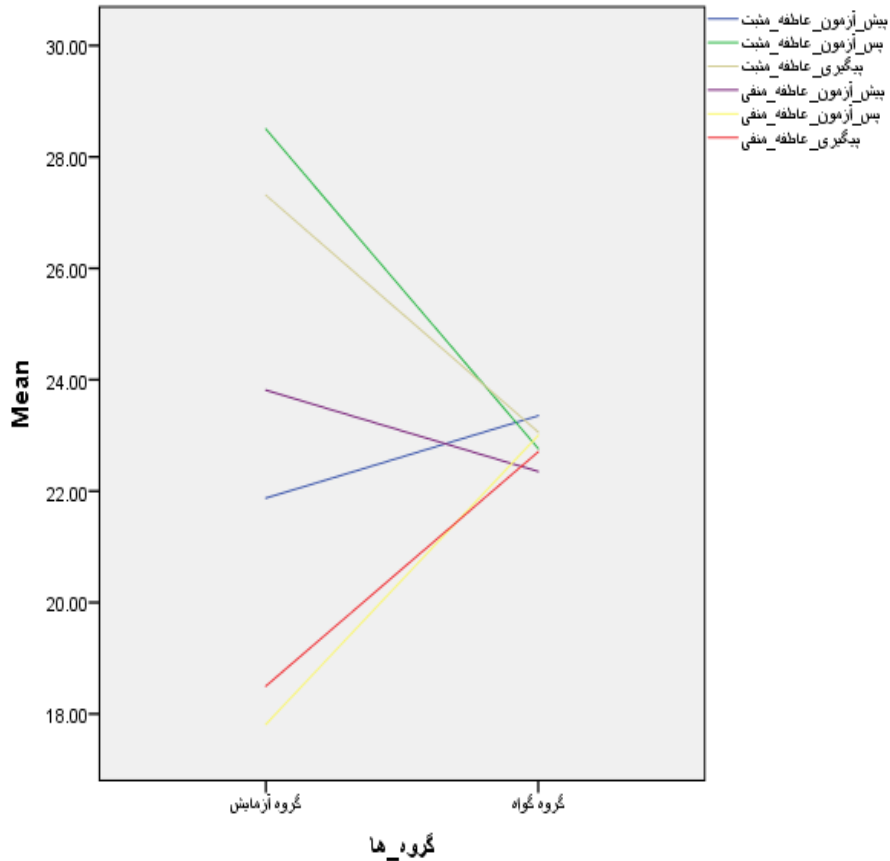
متغیر	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	مقدار f	مقدار p	اندازه اثر	توان آزمون
مثبت	تعامل زمان و گروه	۲	۱۱۹/۶۲	۶۷/۵۶	۰/۰۰۰۱	۰/۶۵	۱
	خطا	۶۲	۱/۷۷				
عواطف منفی	زمان	۲	۷۳/۳۶	۳۵/۵۲	۰/۰۰۰۱	۰/۵۲	۱
	عضویت گروهی	۱	۱۷۲/۹۴	۱۹/۱۹	۰/۰۰۰۱	۰/۴۷	۱
	تعامل زمان و گروه	۲	۱۰۶/۱۱	۵۱/۳۷	۰/۰۰۰۱	۰/۶۱	۱
	خطا	۶۲	۲/۰۶				

نتایج آزمون واریانس آمیخته نشان می‌دهد بر اساس ضرایب  $F$  محاسبه‌شده، عامل زمان یا مرحله ارزیابی تأثیر معناداری بر نمرات عواطف مثبت و منفی نوجوانان دارای تعامل والد-فرزندی ناکارآمد داشته و به ترتیب ۶۰ و ۵۲ درصد از تفاوت در واریانس‌های نمرات عواطف مثبت و منفی نوجوانان دارای تعامل والد-فرزندی ناکارآمد را تبیین می‌کند. علاوه بر این، عامل عضویت گروهی (آموزش توانمندسازی روان‌شناختی) یا نوع درمان دریافتی هم بر عواطف مثبت و منفی نوجوانان دارای تعامل والد-فرزندی ناکارآمد تأثیر معنادار داشته و به ترتیب ۵۱ و ۴۷ درصد از تفاوت در نمرات عواطف مثبت و منفی نوجوانان دارای تعامل والد-فرزندی ناکارآمد را تبیین می‌کند. از طرفی نتایج نشان داد که نوع درمان دریافتی (آموزش توانمندسازی روان‌شناختی) در مراحل مختلف ارزیابی هم بر عواطف مثبت و منفی نوجوانان دارای تعامل والد-فرزندی ناکارآمد تأثیر معنادار داشته و به ترتیب ۶۵ و ۶۱ درصد از تفاوت در نمرات عواطف مثبت و منفی نوجوانان دارای تعامل والد-فرزندی ناکارآمد را تبیین می‌کند. توان آماری ۱۰۰ درصدی هم، حاکی از دقت آماری بالا و کفایت حجم نمونه جهت ارزیابی تأثیر تعامل گروه و زمان بر عواطف مثبت و منفی نوجوانان دارای تعامل والد-فرزندی ناکارآمد می‌باشد. حال در ادامه در جدول ۴ مقایسه زوجی میانگین نمرات عواطف مثبت و منفی آزمودنی‌ها بر حسب مرحله ارزیابی ارائه می‌شود.

جدول ۴. مقایسه زوجی میانگین نمرات عواطف مثبت و منفی آزمودنی‌ها بر حسب مرحله ارزیابی

متغیر	مرحله مبنا (میانگین)	مرحله مورد مقایسه (میانگین)	تفاوت میانگین‌ها	خطای انحراف معیار	معناداری
عواطف مثبت	پیش آزمون	پس آزمون	-۳/۰۱	۰/۴۲	۰/۰۰۰۱
		پیگیری	-۲/۵۷	۰/۳۴	۰/۰۰۱
عواطف منفی	پس آزمون	پیش آزمون	۳/۰۱	۰/۴۲	۰/۰۰۰۱
		پیگیری	۰/۴۴	۰/۱۷	۰/۰۹
عواطف مثبت	پیش آزمون	پس آزمون	۲/۶۷	۰/۴۲	۰/۰۰۰۱
		پیگیری	۲/۴۸	۰/۴۱	۰/۰۰۰۱
	پس آزمون	پیش آزمون	-۲/۶۷	۰/۴۲	۰/۰۰۰۱
		پیگیری	-۰/۱۹	۰/۱۸	۰/۸۴

نتایج جدول ۴ نشان داد، بین میانگین نمرات مرحله پیش آزمون با پس آزمون و پیگیری در متغیرهای عواطف مثبت و منفی تفاوت معنادار وجود دارد. این بدان معناست که آموزش توانمندسازی روان‌شناختی توانسته به شکل معناداری نمرات پس آزمون و پیگیری عواطف مثبت و منفی را نسبت به مرحله پیش آزمون دچار تغییر نمایند. یافته دیگر این جدول نشان داد که بین میانگین نمرات مرحله پس آزمون و پیگیری عواطف مثبت و منفی تفاوت معنادار وجود ندارد. این یافته را می‌توان این‌چنین تبیین نمود که نمرات عواطف مثبت و منفی نوجوانان دارای تعامل والد-فرزندی ناکارآمد که در مرحله پس آزمون دچار تغییر معنادار شده بود، توانسته این تغییر را در طول دوره پیگیری نیز حفظ نماید.



نمودار ۱. نیمرخ تغییرات نمرات عواطف مثبت و منفی نوجوانان دارای تعامل والد-فرزندی ناکارآمد در مراحل سنجش سه‌گانه

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف تدوین بسته توانمندسازی روان‌شناختی والدین و ارزیابی اثربخشی آن بر عواطف مثبت و منفی نوجوانان با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد انجام گرفت. نتایج نشان داد که بسته توانمندسازی روان‌شناختی از نظر متخصصان دارای روایی محتوایی کافی است. در تبیین این یافته باید گفت توانمندسازی روان‌شناختی با شکل‌دهی ادراک توانمندی روانی، می‌تواند تأثیر مثبتی روی وضعیت روان‌شناختی افراد بگذارد (به و

همکاران، ۲۰۱۶). بر این اساس والدین دارای تعامل والد-فرزندی ناکارآمد با دریافت توانمندسازی روان‌شناختی، در پذیرش و قبول شرایط خود و فرزندشان، مشکل کمتری داشته و بهتر می‌توانند نیازهای روانی و فیزیولوژیکی خویش و فرزند خود را برآورده کنند. این فرایند، والدین دارای تعامل والد-فرزندی ناکارآمد را از درگیری و درآمیختگی با افکار مضطرب‌زا و نشخوارگونه نجات داده و سبب می‌شود تا آنان خوش‌بینی و امید به آینده بالاتری را ادراک نموده و بر همین اساس است که بسته حاضر از نظر متخصصان دارای روایی مناسب بود.

همچنین نتایج نشان داد که بسته توانمندسازی روان‌شناختی والدین بر عواطف مثبت و منفی نوجوانان با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد تأثیر داشته و توانسته منجر به افزایش عواطف مثبت و کاهش عواطف منفی این نوجوانان شود. بسته حاضر برای نخستین بار در پژوهش حاضر تدوین شده است. بر این اساس پژوهش کاملاً همسویی با آن وجود ندارد؛ اما چون توانمندسازی روان‌شناختی بر پایه تعامل با فرزند و اصول فرزندپروری بهنجار بنا نهاده شده است، با نتایج پژوهش علی‌قنواتی و همکاران (۱۳۹۸) مبنی بر اثربخشی بسته آموزشی تعامل والد-فرزند بر کیفیت دلبستگی کودکان دارای تعامل مادر-کودک ناکارآمد؛ با یافته نیلی‌احمدآبادی و همکاران (۱۳۹۸) مبنی بر اثربخشی برنامه آموزشی فرزندپروری بر بهبود رابطه والد-فرزندی و رضایت از زندگی مادران؛ با گزارشات فرهاد و همکاران (۱۳۹۷) مبنی بر تأثیر آموزش والدگری مثبت بر شادزیستی و تعارض والد-فرزندی دانش‌آموزان؛ با دستاورد رضایی و همکاران (۱۳۹۶) مبنی بر اثربخشی آموزش گروهی والدگری مثبت بر استرس و خودکارآمدی والدگری مادران و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان؛ با نتایج پژوهش روشن و همکاران (۱۳۹۵) اثربخشی درمان تعامل والد-کودک و مقابله درمانگری مادران بر کاهش شدت مشکلات رفتاری فرزندان و با یافته اصلانی و همکاران (۱۳۹۵) مبنی بر اثربخشی آموزش برنامه والدگری مثبت بر کیفیت تعامل والد-کودک همسو بود. در حیطه اثر توانمندسازی روان‌شناختی نیز پژوهش حاضر با نتایج پژوهش اسدی و همکاران (۱۴۰۰) مبنی بر اثربخشی بسته توانمندسازی

روان‌شناختی بر نشخوار فکری والدین دارای فرزند مبتلا به سرطان و با یافته جعفری و همکاران (۱۳۹۶) مبنی بر اثربخشی توانمندسازی روان‌شناختی در کاهش اضطراب و بهبود کارکردهای اجرایی زنان همسو بود.

در تبیین یافته حاضر مبنی بر اثربخشی بسته توانمندسازی روان‌شناختی والدین بر عواطف مثبت و منفی نوجوانان با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد باید گفت که توانمندسازی می‌تواند عامل تسهیل‌کننده‌ای در پاسخگویی به چالش‌های محیطی و خانوادگی باشد. توانمندسازی روان‌شناختی سبب آماده‌سازی افراد با درجه بالایی از انعطاف‌پذیری و آزادی در تصمیم‌گیری‌ها است (لی و همکاران، ۲۰۲۱). بر این اساس توانمندسازی به والدین با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد کمک می‌کند تا توانایی لازم برای تصمیم‌گیری بهنجار و مناسب را به دست آورند. این فرایند نه تنها در عملکرد افراد بلکه در شخصیت آنان نیز مؤثر است. تأثیرپذیری شخصیت از توانمندسازی روان‌شناختی سبب می‌شود تا اصول بهنجار تعامل را در شخصیت خود نهادینه نموده و چالش‌های کلامی، رفتاری و ارتباطی کمتری را با فرزند خود تجربه نمایند. این روند سبب می‌شود تا والدین بتوانند تعامل سازنده‌ای را فرزند خود برقرار نمایند. برقراری تعامل سازنده با فرزند نیز سبب می‌شود تا فرزندان احساس آرامش درونی و روانی بیشتری را ادراک نموده و بدین‌صورت از میزان عواطف منفی آنان کاسته شود. در تبیین دیگر باید گفت که توانمندسازی به معنای قدرت بخشیدن است (یه و همکاران، ۲۰۱۶) و این بدان معنی است که در طی توانمندسازی روان‌شناختی به والدین با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد کمک می‌شود تا احساس اعتماد به نفس خود را بهبود بخشند، بر ناتوانی و درماندگی خود چیره شوند و در افراد شور و شوق فعالیت ایجاد و انگیزه‌های درونی آنان را برای انجام دادن وظیفه بسیج شود. افراد توانمند نه فقط از امکانات انجام دادن برخی کارها برخوردار می‌شوند، بلکه اندیشه آنان درباره خود نیز با آنچه پیش از توانمند شدن داشته‌اند، متفاوت می‌گردد. این روند سبب می‌شود تا والدین با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد احساس رضایت درونی بیشتری نموده و این احساس و ادراک را به اعضای خانواده (به‌خصوص

فرزندان) نیز منتقل نموده و بدین صورت عواطف مثبت فرزندان نیز افزون یابد. در تبیینی دیگر می‌توان این‌گونه بیان نمود که توانمندسازی روان‌شناختی با شکل‌دهی ادراک توانمندی روانی، می‌تواند تأثیر مثبتی روی وضعیت روان‌شناختی افراد بگذارد. بر این اساس والدین با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد با دریافت توانمندسازی روان‌شناختی، در پذیرش و قبول شرایط خود، مشکل کمتری داشته و بهتر می‌توانند نیازهای روانی و فیزیولوژیکی خویش را برآورده کنند. این فرایند، والدین را از درگیری و درآمیختگی با افکار مضطرب‌زا و نشخوارگونه نجات داده و سبب می‌شود تا آنان خوش‌بینی و امید به آینده بالاتری را ادراک نمایند. کسب خوش‌بینی نیز به دایره تعاملی این والدین با فرزندان نیز سرایت نموده و باعث می‌شود تا آنان، به بهبود رابطه خود با فرزندشان خوش‌بین‌تر باشند. بهبود در تعامل والدین با فرزندان نیز از میزان آسیب‌های هیجانی و روانی فرزندان کاسته و باعث می‌شود آنان عواطف منفی کمتر و عواطف مثبت بیشتری را ادراک و تجربه نمایند.

محدود بودن دامنه تحقیق به والدین و نوجوانان با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد شهر تهران، وجود برخی متغیرهای کنترل نشده همانند وضعیت خانوادگی والدین و نوجوانان، وضعیت مالی خانواده‌ها، تعداد فرزندان و موقعیت اجتماعی آن‌ها و عدم بهره‌گیری از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی (به دلیل شرایط خاص جامعه آماری) از محدودیت‌های این پژوهش بود؛ بنابراین توصیه می‌شود برای افزایش قدرت تعمیم‌پذیری نتایج، در سطح پیشنهاد پژوهشی، این تحقیق در سایر شهرها و مناطق و جوامع دارای فرهنگ‌های متفاوت، دیگر گروه‌ها (همانند نوجوانان دارای اختلالات رفتاری درونی و برونی‌سازی شده و ...)، با کنترل عوامل ذکرشده و روش نمونه‌گیری تصادفی اجرا شود. علاوه بر این پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی هر دو والد به شکل هم‌زمان در پژوهش حضور داشته باشند تا روند درمانی سرعت بیشتری داشته باشد. با توجه به اثربخشی بسته توانمندسازی روان‌شناختی والدین بر عواطف مثبت و منفی نوجوانان با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد، در سطح کاربردی پیشنهاد می‌شود بسته توانمندسازی روان‌شناختی والدین طی کارگاهی تخصصی

به مشاوران و درمان‌گران حوزه خانواده در سطح مراکز مشاوره سطح شهر و همچنین مشاوران مدارس ارائه داده شود تا آن‌ها با به‌کارگیری این الگوی آموزشی برای والدین با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد، جهت کاهش عواطف منفی و بهبود عواطف مثبت فرزندان آنان گامی عملی بردارند.

### تشکر و قدردانی

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکترای رشته مشاوره و راهنمایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن است که در سال ۱۳۹۸ به تصویب و در سال ۱۴۰۱ دفاع شده است. در این پژوهش نویسنده نخست به‌عنوان طراح و نگارنده مقاله، نویسنده دوم در نقش استاد راهنما و نویسنده سوم در نقش استاد مشاور بودند. بدین‌وسیله از تمام والدین حاضر در پژوهش و مسئولین مدارس منتخب شهر تهران که همکاری کاملی جهت اجرای پژوهش داشتند، قدردانی به عمل می‌آید.



## منابع

- اسحاقیان، زهرا؛ کاظمی، علی؛ و شائمی، علی. (۱۳۹۵). تحلیل تأثیر تناسب فرد-سازمان و تناسب فرد-شغل بر توانمندسازی روان‌شناختی، پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۹(۳۳)، ۱۸۹-۱۶۷.
- اسدیان، سیروس؛ ربیعی، محسن؛ و قاسم‌زاده، ابوالفضل. (۱۳۹۵). رابطه اخلاق حرفه‌ای و اعتماد سازمانی با توانمندسازی روان‌شناختی معلمان، فصلنامه علمی-ترویجی اخلاق، ۶(۲۲)، ۱۹۰-۱۶۵.
- اصلانی، خالد؛ وارسته، مرضیه؛ و امان‌الهی، عباس. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش برنامه والدگری مثبت بر کیفیت تعامل والد-کودک، فصلنامه فرهنگ مشاوره و خانواده‌درمانی، ۷(۲۸)، ۱۸۳-۲۰۱.
- بشارت، محمدعلی؛ کوچی، صدیقه؛ دهقانی، محسن؛ فراهانی، حجت‌الله؛ و مومن‌زاده، سیروس. (۱۳۹۱). بررسی نقش تعدیل‌کننده عاطفه مثبت و منفی بر رابطه بین ناگویی هیجانی و شدت درد در بیماران مبتلا به درد مزمن، روان‌شناسی بالینی و شخصیت، ۱۹(۷)، ۱۰۳-۱۱۳.
- جعفری، اصغر؛ جعفری، صبا؛ و حسینی، سیدمجید. (۱۳۹۶). اثربخشی توانمندسازی روان‌شناختی در کاهش اضطراب و بهبود کارکردهای اجرایی زنان دارای همسر معتاد، فصلنامه فرهنگی مشاوره و روان‌درمانی، ۸(۳۲)، ۸۹-۱۰۹.
- خانجانی، مهدی؛ و رضایی، سعید. (۱۳۹۵). اثربخشی برنامه روان‌درمانی مثبت‌نگر بر افزایش بهزیستی روان‌شناختی، عواطف مثبت و کاهش عواطف منفی مادران دارای کودک با اختلال اوتیسم، توانمندسازی کودکان استثنایی، ۷(۱۷)، ۳۷-۵۲.
- حسین‌خانزاده، عباسعلی؛ طاهر، محبوبه؛ سیدنوری، سیده‌زهرا؛ یحیی‌زاده، آیدا؛ و عیسی‌پور، مهدی. (۱۳۹۲). رابطه شیوه تعامل والد-فرزند با میزان اعتیادپذیری و گرایش به جنس مخالف در دانشجویان، فصلنامه اعتیادپژوهشی، ۷(۲۸)، ۵۹-۷۴.
- رضایی جندانی، محبوبه؛ هویدا، رضا؛ و سماواتیان، حسین. (۱۳۹۴). مفهوم توانمندسازی روان‌شناختی و رابطه آن با سرمایه روان‌شناختی معلمان، دو فصلنامه رویکردهای نوین آموزشی، ۱۰(۱)، ۲۴-۳۹.
- رضایی، فاطمه؛ غضنفری، فیروزه؛ و رضائیان، مهدی. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش گروهی

- والدگری مثبت بر استرس و خودکارآمدی والدگری مادران و مشکلات رفتاری دانش آموزان کم توان ذهنی، مجله دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، ۵(۱)، ۷-۱۶.
- روشن، مریم؛ آقاییوسفی، علیرضا؛ علی‌پور، احمد؛ و رضایی، اکبر. (۱۳۹۵). مقایسه اثربخشی درمان تعامل والد-کودک و مقابله درمانگری مادران بر کاهش شدت مشکلات رفتاری کودکان ۳ تا ۶ ساله، روان‌شناسی بالینی و شخصیت، ۱۴(۱)، ۱۱۱-۱۲۳.
- سالاری محمدآباد، محمد؛ و مازیاری، محمد. (۱۳۹۵). تأثیر ساختار سازمانی بر درگیری شغلی کارکنان ادارات کل ورزش و جوانان: نقش واسطه‌ای توانمندسازی روان‌شناختی، مدیریت ورزشی، ۸(۲)، ۲۹۷-۲۸۱.
- سربلند، خیراله. (۱۳۹۸). تأثیر سرمایه روان‌شناختی بر دلبستگی کاری با نقش واسطه‌گری توانمندسازی روان‌شناختی، دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۲۰(۳)، ۶۵-۷۶.
- شاه‌حیدری‌پور، رضوان؛ و کمالیان، امین‌رضا. (۱۳۹۱). بررسی رابطه عدالت سازمانی و توانمندسازی روان‌شناختی، مجله مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱۰(۱)، ۱۷۵-۲۰۱.
- شهنی‌بیلاق، منیجه؛ عزیزی‌مهر، الهه؛ و مکتبی، غلامرضا. (۱۳۹۳). رابطه علی تعارض آشکار و تعارض نهان بین والدین با عملکرد تحصیلی با میانجی‌گری رابطه والد فرزند، رفتار ضداجتماعی و افسردگی در دانش‌آموزان دبیرستانی، دو فصلنامه مشاوره کاربردی، ۲(۳)، ۱-۱۶.
- عباسی، مرضیه؛ و نشاط‌دوست، حمیدطاهر. (۱۳۹۲). اثربخشی درمان تعامل والد-کودک بر کاهش نشانه‌های اختلال نافرمانی مقابله‌ای، مجله روانشناسی بالینی، ۵(۲)، ۶۷-۵۹.
- عسگری، ناصر؛ و نیکوکار، غلامحسین. (۱۳۹۵). نقش توانمندسازی روان‌شناختی در ارتقای عملکرد فروش فروشندگان شرکت‌های پخش (مطالعه موردی: شرکت به‌بخش)، مدیریت بازرگانی، ۸(۳)، ۶۵۸-۶۳۷.
- علی‌قنوتی، سارا؛ شریفی، طیبه؛ غضنفری، احمد؛ عابدی، محمدرضا؛ و نقوی، اعظم. (۱۳۹۸). اثربخشی بسته آموزشی تعامل والد-فرزند بر کیفیت دلبستگی کودکان دارای تعامل مادر-کودک ناکارآمد، نشریه توانمندسازی کودکان استثنایی، ۱۰(۲)، ۲۴۹-۲۳۷.
- فرازمد، مهرانگیز. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش تنظیم شناختی هیجان بر تعامل والد-فرزندی (تعامل با پدر و مادر) و سرمایه‌های روان‌شناختی نوجوانان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای، پایان

- نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر، اهر، ایران.
- فرشاد، محمدرضا؛ نجاریان، سمانه؛ و شنبدی، فرزاد. (۱۳۹۷). تأثیر آموزش والدگری مثبت مبتنی بر روی آورد ساندرز بر شادزیستی و تعارض والد-فرزندی دانش‌آموزان، فصلنامه سلامت روان کودکان، ۵(۱)، ۶۷-۵۹.
- فیروزفر، فهیمه؛ زم، فاطمه؛ منصوری، الهام؛ و ولی‌زیبایی، خدیجه. (۱۳۹۶). پیش درآمدی بر توانمندی روانی اجتماعی، رویش روانشناسی، ۶(۲)، ۱۸۹-۲۰۶.
- کریمی، مریم؛ و فاطمی‌عقدا، نسرین. (۱۳۹۷). رابطه کیفیت تعامل والد فرزندی با گرایش به تفکر انتقادی و مؤلفه‌های سلامت روان در دانش‌آموزان دختر نوجوان، پژوهش‌های مشاوره، ۱۷(۶۸)، ۱۹۲-۲۱۰.
- کفایش‌پور، آذر؛ و شکوری، ندا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه توانمندسازی روان‌شناختی و تعهد سازمانی (مطالعه موردی: شرکت برق منطقه‌ای خراسان)، خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت (رسالت مدیریت دولتی)، ۶(۲۰-۱۹)، ۷۲-۶۳.
- مرادی، مرتضی؛ باقرپور، مهدی؛ حسونند، محمدحسن؛ رضاپور، مصطفی؛ و شهاب‌زاده، صدیقه. (۱۳۹۵). نقش واسطه‌ای حرمت خود و عواطف مثبت و منفی در رابطه بین تاب‌آوری و بهزیستی روان‌شناختی، فصلنامه روانشناسی تحولی، ۱۲(۴۷)، ۲۸۹-۳۰۵.
- مسکین‌نواز، سعید؛ قربانی، محمود؛ نیلی‌پور طباطبایی، سیداکبر؛ و نیرومند، حسینعلی. (۱۳۹۶). الگوی توانمندسازی مدیران فروش در صنعت بیمه: مطالعه در نمایندگی‌های فروش بیمه در استان خراسان رضوی، پژوهشنامه بیمه، ۳۳(۲)، ۴۰-۲۱.
- مؤمن‌پور، نیشتمان؛ حسنی، محمد؛ قاسم‌زاده، ابوالفضل؛ و مومن‌پور، سمیه. (۱۳۹۷). بررسی نقش میانجی پاسخگوی فردی در رابطه جو روان‌شناختی و توانمندسازی روان‌شناختی با عملکرد شغلی کارکنان، رویش روان‌شناسی، ۷(۱)، ۱۵۸-۱۳۱.
- مومنی‌راد، اکبر؛ علی‌آبادی، خدیجه؛ فردانش، هاشم؛ و مزینی، ناصر. (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۱۴(۱)، ۱۸۷-۲۲۳.
- نیلی‌احمدآبادی، زهرا؛ باقری، فریبرز؛ و سلیمی‌بجستانی، حسین. (۱۳۹۸). اثربخشی برنامه آموزشی فرزندپروری با تأکید بر نظریه انتخاب بر بهبود رابطه والد-فرزندی و رضایت از زندگی

- Aksel, I., Serinkan, C., Kiziloglu, M., Aksoy, B. (۲۰۱۳). Assessment of Teachers' Perceptions of Organizational Citizenship Behaviors and Psychological Empowerment: An Empirical Analysis in Turkey. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, ۸۹, ۶۹-۷۳.
- Bradford, K., & Barber, B. K. (۲۰۰۸). Interparental conflict, parent-child conflict, and youth problem behavior. *Journal of Family Issues*, ۲۹, ۷۸۰-۸۰۵.
- Domoff, S.E., Niec, L.N. (۲۰۱۸). Parent-child interaction therapy as a prevention model for childhood obesity: A novel application for high-risk families. *Children and Youth Services Review*, ۹۱, ۷۷-۸۴.
- Dzherelievskaya, M.A., Vizgina, A.V., Yashina, L.L. (۲۰۱۶). Adolescents' World Image in Families with Various Parent-child Interaction Styles. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, ۲۳۳, ۷۳-۷۷.
- Fine, M.A., Moreland, J. R., & Schwebel, A. I. (۱۹۸۳). Long-term effects of divorce on parent-child relationships. *Developmental Psychology*, ۱۹, ۷۰۳-۷۱۳.
- Foulkes, L., Leung, J.T., Fuhrmann, D., Knoll, L.J., & Blakemore, S.J. (۲۰۱۸). Age differences in the prosocial influence effect. *Developmental science*, ۲۱(۴), ۱-۹.
- Hosseiny, A.S., Godarzi, M.A., Poorkhalil, M. (۲۰۱۵). The role of psychological empowerment factors in enhancing the creativity of staff of Baqiatallah Medical Sciences University, *Iranian Journal of Educational and Management Study*, ۵( ۱), ۱۰-۱۴.
- Jena, L., Bhattacharyya, P., Pradhan, S. (۲۰۱۹). Am I empowered through meaningful work? The moderating role of perceived flexibility in connecting meaningful work and psychological empowerment. *IIMB Management Review*, ۳۱, ۲۹۸-۳۰۸.

- Khan, J., Malik, M., Saleem, S. (۲۰۲۰). The Impact of Psychological Empowerment of Project-Oriented Employees on Project Success: A Moderated Mediation Model. *Economic Research-Ekonomska Istrazvianja*, ۳۳(1), ۱۳۱۱-۱۳۲۹.
- Kildare, C.A., Middlemiss, W. (۲۰۱۷). Impact of parents mobile device use on parent-child interaction: A literature review. *Computers in Human Behavior*, ۷۵, ۵۷۹-۵۹۳.
- Lauren, N.M.W., Quetsch, L.B., Robinson, C., McCoy, K., McNeil, C.B. (۲۰۱۸). Infusing parent-child interaction therapy principles into community-based wraparound services: An evaluation of feasibility, child behavior problems, and staff sense of competence. *Children and Youth Services Review*, ۸۸, ۵۶۷-۵۸۱.
- Lee, S.Y., Kim, Y., Kim, Y. (۲۰۲۱). Engaging consumers with corporate social responsibility campaigns: The roles of interactivity, psychological empowerment, and identification. *Journal of Business Research*, ۱۳۴, ۵۰۷-۵۱۷.
- León, E., Steele, M., Palacios, J., Román, M., Moreno, C. (۲۰۱۸). Parenting adoptive children: Reflective functioning and parent-child interactions. A comparative, relational and predictive study. *Children and Youth Services Review*, ۹۵, ۳۵۲-۳۶۰.
- Ludmer, J.A., Salsbury, D., Suarez, J., Andrade, B.F. (۲۰۱۷). Accounting for the impact of parent internalizing symptoms on Parent Training benefits: The role of positive parenting. *Behaviour Research and Therapy*, ۹۷, ۲۵۲-۲۵۸.
- Lyu, D., Ji, L., Zheng, Q., Yu, B., Fan, Y. (۲۰۱۹). Abusive supervision and turnover intention: Mediating effects of psychological empowerment of nurses. *International Journal of Science*, ۹(۲), ۱۹۸-۲۰۳.
- Meiting, L., Hua, W. (۲۰۲۰). The dark side of white lies: Parenting by lying in childhood and adolescent anxiety, the mediation of parent-child attachment and gender difference. *Children and Youth Services Review*, ۱۱۹, ۱۰۵-۱۱۰.

- Meng, L., Jin, Y., Guo, J. (۲۰۱۶). Mediating and/or moderating roles of psychological empowerment. *Applied Nursing Research*, ۳۰, ۱۰۴-۱۱۰.
- N'zi, A.M., Lucash, R.E., Clionsky, L.N., Eyber, S.M. (۲۰۱۸). Enhancing Parent-Child Interaction Therapy With Motivational Interviewing Techniques. *Cognitive and Behavioral Practice*, ۲۴(۲), ۱۳۱-۱۴۱.
- Paulus, D.J., Heggeness, L.F., Raines, A.M., Zvolensky, M.J. (۲۰۲۰). Difficulties regulating positive and negative emotions in relation to coping motives for alcohol use and alcohol problems among hazardous drinkers. *Addictive Behaviors*, ۱۱۵, ۱۰۶-۱۱۱.
- Rice, F., Riglin, L., Lomax, T., Souter, E., Potter, R., Smith, D.J., Thapar, A.K., Thapar, A. (۲۰۱۹). Adolescent and adult differences in major depression symptom profiles. *Journal of Affective Disorders*, ۲۴۳, ۱۷۵-۱۸۱.
- Shan, W., Zhang, Y., Zhao, J., Zhang, Y., Cheung, E.F.C., Chan, R.C.K., Jiang, F. (۲۰۱۹). Association between Maltreatment, Positive Parent-Child Interaction, and Psychosocial Well-Being in Young Children. *The Journal of Pediatrics*, ۲۱۳, ۱۸۰-۱۸۶.
- Steptoe, A., O'Donnell, K., Marmot, M., & Wardle, J. (۲۰۰۸). Positive affect and psychosocial processes related to health. *British Journal of Psychology*, ۹۹, ۲۱۱-۲۲۷.
- Sun, R., Gao, Q., Xiang, Y., Chen, T., Liu, T., Chen, Q. (۲۰۲۰). Parent-child relationships and mobile phone addiction tendency among Chinese adolescents: The mediating role of psychological needs satisfaction and the moderating role of peer relationships. *Children and Youth Services Review*, ۱۱۶, ۱۰۱-۱۰۵.
- Trent, E.S., Viana, A.G., Raines, E.M., Woodward, E.C., Storch, E.A., Zvolensky, M.J. (۲۰۱۹). Parental threats and adolescent depression: The role of emotion dysregulation. *Psychiatry Research*, ۲۷۶, ۱۸-۲۴.
- Watson, D., Clark, L.A., Tellegen, A. (۱۹۸۸). Development and validation of

brief measures of positive and negative affect: The PANAS scale. *Journal of personality and social psychology*, ۵۴, ۱۰۶۳-۱۰۷۰.

Weiss, N.H., Goncharenko, S., Raudales, A.M., Schick, M.R., Contractor, A.A. (۲۰۲۱). Alcohol to down-regulate negative and positive emotions: Extending our understanding of the functional role of alcohol in relation to posttraumatic stress disorder. *Addictive Behaviors*, ۱۱۵, ۱۰۶-۱۰۹.

Zhang, X., Ye, H., Li, Y. (۲۰۱۸). Correlates of structural empowerment, psychological empowerment and emotional exhaustion among registered nurses: A meta-analysis. *Applied Nursing Research*, ۴۲, ۹-۱۶.

Zhao, F., Liu, M., Li, S. (۲۰۲۰). Paternal coparenting behavior and adolescent prosocial behaviors: Roles of parent-child attachment, peer attachment, and gender. *Children and Youth Services Review*, ۱۱۹, ۱۰۳-۱۰۸.

**استناد به این مقاله:** نقش. (۱۴۰۱). اثربخشی بسته توانمندسازی روان‌شناختی والدین بر عواطف مثبت و منفی نوجوانان با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد، روان‌شناسی افراد استثنایی، ۱۲(۴۷)، ۱۹۵-۲۲۴.

DOI: ۱۰,۲۲۰۵۴/jpe.۲۰۲۲,۶۵۱۶۹,۲۴۰۱



Psychology of Exceptional Individuals is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial ۴,۰ International License.